

# معلمان چه می‌خواهند؟

## محمد داوری

این روزها که صدای معلمان بیش از همیشه شنیده می‌شود نگرانی از این وجود دارد که سخن آنها خوب شنیده نشود یا به عبارتی نگذارند سخن آنها خوب شنیده شود. جامعه میلیونی معلمان شاغل و بازنشسته که با خانواده‌های آنها جمعیت قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند خود به خوبی می‌دانند که چه می‌خواهند اما بسیاری از افراد دیگر به ویژه آنهایی که با خانواده‌های فرهنگیان ارتباط مستقیمی ندارند و شرایط زندگی يك خانواده فرهنگی را از نزدیک درک نکرده‌اند احتمال می‌رود از مطالبه اصلی معلمان آگاهی دقیقی نداشته باشند به ویژه اینکه اگر متاثر از رسانه‌هایی باشند که فقط برخی از مطالبات معلمان را برجسته می‌سازند. برای پاسخ به این پرسش که معلمان چه می‌خواهند، باید کمی عقب‌تر رفت و کمی هم عمیق‌تر کنشگری‌های معلمان را مورد بررسی قرار داد تا دچار خطای زاویه دید نشویم. به‌طور مشخص معلمان بیست سال است که پس از تحمل دوره جنگ و به انتظار نشستن دوره سازندگی، از دوره دوم اصلاحات مطالبه‌گری خود را آغاز کردند و نوع کنش‌های آنها هم متنوع بوده چه در قالب تشکلهای و چه به صورت توده‌ای و خودجوش، هم کنش رسانه‌ای داشتند و هم تجمع برگزار کردند و هم فرصت‌های مذاکره را از دست ندادند و هم تعامل کردند و اگر هم وارد به استخوان‌شان رسید از تقابل هم نهراسیدند و هزینه‌هایش را هم پرداخت کردند.

بنابراین با این گستره زمانی و با این تنوع کنشگری اگر خواسته‌های معلمان را بر بشماریم، می‌بینیم وجه مشترك همه خواسته‌ها و فصل مشترك همه کنشگران يك مطالبه کلیدی و اساسی است و آن چیزی نیست جز «کارآمدی نظام آموزشی». شاید گفته شود که مثلا مطالبه معیشتی چه ربطی به کارآمدی نظام آموزشی دارد اما به نظرم پاسخ ساده است اول اینکه معلمان در کنشگری‌هایشان فقط مطالبه معیشتی ندارند بلکه همیشه در نوشته‌ها و گفته‌هایشان دو کلیدواژه مقدم بر همه چیز است یکی «کیفیت آموزشی» و دیگری «عدالت آموزشی»، دو مطالبه‌ای که بی‌تردید دانش‌آموز محور است و متأسفانه کاهش کیفیت آموزشی و تهدید عدالت آموزشی بیش از گذشته به دانش‌آموزان آسیب زده است. نکته دیگر اینکه تردیدی نیست که نظام آموزشی ما معلم محور است و حرفه

معلمي مبتني بر ويژگيهاي شخصيتي، مهارت‌هاي علمي و دانش تخصصي است كه برخورداري از آنها براي ايفاي نقش علمي كافي نيست بلكه يك معلم داراي اين سه شاخص لازم است كه از معيشت مناسب برخوردار باشد و احساس منزلت كند و انگيزه و انرژي براي ايفاي نقش خود را داشته باشد و رضاييت شغلي و اميد به آينده او را براي داشتن عملکردي كارآمد ترغيب نمايد. لذا وقتي صداي مطالبه معيشتي معلمان به گوش ميرسد بايد با دقت به سخن آنها گوش سپرد تا درك كرد كه در واقع معلمان آينده كودكان و نوجوانان اين مرز و بوم را مطالبه مي‌كنند و آنها چيز زيادي نمي‌خواهند بلكه خواستار اجراي عدالت و قانون و خواستار برخورداري از منزلت و معيشت براي ايفاي نقش موثر به منظور تحقق كيفيت و عدالت آموزشي و كارآمدي نظام آموزشي هستند

منبع: روزنامه اعتماد 18 اسفند 1400 خورشیدی